

وضعیت سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولید روستایی شهرستان کوه‌دشت و عوامل مرتبط با آن

خلیل کلانتری*، علی اسدی**، مهدی رحیمیان***، یاسر محمدی***، علیرضا انصاری****،

عبدالحسن طرفی****

مقدمه: بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی در سازمان‌هایی که با هدف اتحاد و مشارکت روستائیان بنا نهاده شده‌اند مورد توجه این مطالعات واقع نشده است. در حالی که سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های روستایی و عواملی که با آن مرتبط هستند از اهداف مهمی است که باید در بررسی‌های اجتماعی مورد سنجش و تحلیل قرار گیرد. بنابراین هدف اصلی این مقاله بررسی و سنجش سطح سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولید روستایی در شهرستان کوه‌دشت و تحلیل عوامل مرتبط با آن است.

روش: جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۸۲۰ نفر از اعضای عادی ۱۸ تعاونی تولید روستایی موجود در شهرستان کوه‌دشت واقع در استان لرستان بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۹۳ نفر تعیین گردید اما برای اطمینان بیش‌تر ۱۰۰ نفر از اعضا از طریق نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای انتخاب و به وسیله پرسش‌نامه مورد مصاحبه قرار گرفتند. پایایی مقیاس‌های به کار رفته در این تحقیق همگی با مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ و روایی پرسش‌نامه نیز با توجه به نظر اساتید راهنما و کارشناسان تعاونی منطقه مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که از نظر ویژگی‌هایی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، سطح درآمد، میزان کل اراضی تحت مالکیت، سابقه عضویت در تعاونی، شناخت از اصول تعاونی، مشارکت در فعالیت‌های تولیدی، شرکت در جلسات تصمیم‌گیری و شرکت در دوره‌های آموزشی برگزار شده توسط تعاونی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین وجود دارد.

بحث: با استفاده از تحلیل تشخیصی گام به گام مشخص گردید که پنج متغیر وضعیت تأهل، کل اراضی تحت مالکیت، سابقه عضویت در تعاونی، شناخت از اصول تعاونی و مشارکت در امور تعاونی دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین را به بهترین وجه از هم متمایز نمودند.

کلید واژه‌ها: اعضا تعاونی، استان لرستان، تعاونی‌های تولید روستایی، سرمایه

اجتماعی، شهرستان کوه‌دشت.

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۰

* دکتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تهران <khkalan@ut.ac.ir>

** دکتر ترویج و توسعه روستایی؛ دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

**** کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

مقدمه

در دهه‌های پایانی هزاره دوم متعاقب مطرح شدن موضوع توسعه پایدار و به ویژه توسعه اجتماعی، مفهوم سرمایه اجتماعی بیش از پیش مورد نظر قرار گرفت (Halpern, 2001) و با شروع هزاره سوم هم توجه روزافزون به جایگاه و نقش سرمایه اجتماعی تداوم یافت، به طوری که امروزه با حجم قابل توجهی از منابع و متون مرتبط با سرمایه اجتماعی سر و کار داریم (Beugelsdijk & schaik, 2005). محیط اجتماعی، پایداری و سلامتی از جمله مباحثی هستند که در ارتباط با سرمایه اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته‌اند (Nogueira, 2009). تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی صورت گرفته است. بوردیو به عنوان یکی از پیش‌گامان طرح این مفهوم و از متقدمین ساختارگرا بر این باور است که میزان سرمایه اجتماعی که یک فرد از آن برخوردار است بسته به اندازه شبکه ارتباطات وی می‌تواند به طور مؤثری تغییر یابد (Bourdieu, 1986). شیف سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از عناصری می‌داند که بر روابط میان مردم اثر گذاشته و نهاده‌های تابع تولید و یا توابع مطلوبیت را تشکیل می‌دهند (Schiff, 1992). در تعریف دیگری که توسط پورتر ارائه شده است، سرمایه اجتماعی عبارت است از توانایی تأمین منافع از طریق عضویت در شبکه‌ها و سایر ساختارهای اجتماعی (Portes and Alejandro, 1998). پاتنام معتقد است که ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌ها دارای ارزش‌اند و روابط اجتماعی، در قابلیت تولیدکنندگی افراد و گروه‌ها مؤثر هستند (Putnam, 2000). به اعتقاد بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند، منتسب می‌شود و در واقع سرمایه اجتماعی، تنها مجموعه‌ای از نهادهایی که جامعه را پشتیبانی می‌کنند نیست بلکه همانند یک پیوند دهنده است که آن‌ها را در کنار یکدیگر نگه می‌دارد (World Bank website, 2001). اسکول (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است: طبق بررسی‌ها، سرمایه اجتماعی در بردارنده شبکه‌های اجتماعی و ساختارهای حمایتی، مشارکت اجتماعی، درگیری‌های سیاسی و اجتماعی،

اعتماد در بین مردم و نهادهای اجتماعی و هنجارهای تعامل است (Scully, 2001). فوکویاما سرمایه اجتماعی را نمونه‌ای ملموس از یک هنجار غیررسمی و نانوشته می‌داند که همکاری بین دو یا چند نفر را ارتقاء می‌بخشد (Fukuyama, 2000). از نظر گروترت و ون‌باستلر سرمایه اجتماعی به مفاهیم ارزش‌مندی از قبیل شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل، اعتماد عمومی و تعهد اطلاق می‌شود (Grootaert & van Bastelaer, 2002). هالپرن سرمایه اجتماعی را ترکیب یافته از سه جزء می‌داند؛ (۱) شبکه‌ها؛ (۲) هنجارها و ارزش‌ها و انتظارات، (۳) ضمانت‌های اجرایی (Halpern, 2005). شبکه‌ها که در واقع بعد ساختی سرمایه اجتماعی بوده و جنبه عینی دارند، هنجارها و انتظارات نیز بعد شناختی سرمایه اجتماعی را شامل می‌شوند و جنبه ذهنی دارند، اما ضمانت‌های اجرایی می‌توانند به صورت رسمی یا غیررسمی، در قالب پاداش‌ها و یا مجازات‌هایی به رفتار افراد داده می‌شوند، شناسایی شوند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۶) و در نهایت این که لومن و فرگ، سرمایه اجتماعی را به عنوان یک سرمایه‌گذاری در روابطی که مبادله منابع را تسهیل می‌کند، تعریف کرده است و به عنوان یک عامل محافظت‌کننده سلامتی انسان‌ها در زمینه عوامل ریسک‌زا مانند فقر مورد شناسایی قرار داده است (Looman and Farrag, 2009).

هر کدام از تعاریف مذکور تنها به بخشی از مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره دارند، و از آنجایی که سرمایه اجتماعی مفهومی غیر قابل لمس می‌باشد، برداشت صاحب‌نظران از این مفهوم نسبی بوده و به همین دلیل تعاریف مختلفی از آن صورت گرفته است. اما در مجموع می‌توان با تأکید بر نقطه مشترک تعاریف فوق سرمایه اجتماعی را، بر هم‌کنش روابط افراد در درون گروه‌های اجتماعی دانست که اغلب به صورت ناخودآگاه تحقق اهداف آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

منابعی که سرمایه اجتماعی در آن‌ها خلق می‌شود، عبارتند از؛ خانواده، مدارس و دیگر نهادهای آموزشی، اصناف و مشاغل، نهادهای مدنی و اجتماعات محلی. منابع فوق همگی اهمیت به سزایی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارند ولی تأثیر نهادهای مدنی در این زمینه

بیش تر از دیگر منابع است (Australian Bureau of Statistics, 2002) بحث در خصوص منابع تولید سرمایه اجتماعی توسط صاحب نظران دیگری نیز صورت گرفته است، ولکاک و نارایان در مورد سرمایه اجتماعی بر این باورند که خانواده، دوستان، شرکا و همکاران شخصی، به عنوان منابع تولید سرمایه اجتماعی، سرمایه مهمی را تشکیل می دهند؛ سرمایه ای که به هنگام مواجهه با یک بحران، می تواند مفید واقع شود (Woolcoch, and Narayan, 2000). همچنین گروترت و ون باستلر معتقدند که سرمایه اجتماعی زمانی انباشت می گردد که ارتباط متقابل در درون خانواده، محل کار، روابط همسایگی و ارتباطات مردم در انجمن های محلی و عمومی صورت می گیرد (Grootaert & van Bastelaer, 2002).

یکی از اجتماعات محلی که از آن می توان به عنوان مکانی برای خلق سرمایه اجتماعی نام برد، تعاونی های تولید روستایی می باشد. ماهیت روابط اجتماعی موجود در این انجمن های مردم نهاد به طوری است که اعضاء با کار و تلاش گروهی، علی رغم دستیابی به اهداف از پیش نوشته شده تعاونی، به طور ناخودآگاه پای در مسیری می گذارند، که به هدفی نانوشته، دست می یابند. این هدف از پیش تعیین نشده که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می شود، در دراز مدت موجب می گردد که تعاونی هایی که از سابقه بیشتر برخوردارند، در مواجهه با بحران ها و تهدیدها موفق تر نیز عمل کنند. اما سؤال اصلی این است که وضعیت سرمایه اجتماعی در تعاونی های تولید روستایی شهرستان کوهدشت به چه میزان است و چه عواملی بر بهبود این سرمایه اجتماعی تأثیرگذار هستند؟ محققانی مانند گلاسر و همکاران (۲۰۰۰)؛ آف و فاجس (۲۰۰۲)؛ آپهف (۲۰۰۲) و ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۵)، متغیرهای جمعیت شناختی اعضاء را بهبود سرمایه اجتماعی مؤثر دانستند و با توجه به این که معیشت خانوار روستایی با فعالیت های زراعی عجین بوده و اعضاء تعاونی های تولید روستایی نیز اکثراً کشاورزان هستند، فاکتورهای زراعی (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۷) نیز بر میزان سرمایه اجتماعی متأثر خواهد

بود. از این رو نوشتار حاضر که حاصل یک پژوهش میدانی است، با هدف تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در بین اعضای تعاونی‌های تولید روستایی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان کوهدشت قصد دارد، ارتباط سرمایه اجتماعی را با متغیرهای جمعیت شناختی و زراعی اعضا به معرض آزمون بگذارد.

پیشینه پژوهش

دستیابی به چارچوب نظری تحقیق نیازمند بررسی و مرور مطالعات تجربی صورت گرفته پیشین در خصوص موضوع مورد نظر می‌باشد. از این رو در این بخش سعی شده است تا با انجام این کار، زمینه برای تدوین چارچوب نظری تحقیق فراهم گردد. مطالعات مختلفی در رابطه با سرمایه اجتماعی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعه برم و ران (۱۹۹۷) اشاره نمود. این محققین معتقدند، سرمایه اجتماعی مفهوم جمعی است که اصل و اساس آن بر رفتار، طرز تلقی‌ها و استعدادهای فردی قرار دارد، و نهادهای اجتماعی، خانواده، دین و فرهنگ در شکل‌دهی ارزش‌هایی که مولد سرمایه اجتماعی‌اند نقش اساسی دارند. آن‌ها مهم‌ترین و اولین عنصر سرمایه اجتماعی را مشارکت مدنی می‌دانند. بولن و آنیکس (۱۹۹۸) در تحقیقی که به منظور اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در پنج ایالت استرالیا انجام دادند شاخص‌های اعتماد و قابلیت اعتماد، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، احساس امنیت و ارزش زندگی را برای سنجش سرمایه اجتماعی در نظر گرفتند. هم‌چنین در مطالعه‌ای که توسط کریشنا و شرودر (۲۰۰۰) برای اندازه سرمایه اجتماعی معیارهایی صورت گرفت، معیارهای: اعتماد، همیاری، همکاری و انسجام اجتماعی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفتند. گلاسر و همکاران (۲۰۰۰) در تحقیق خود نشان دادند که متغیر سن نقش مهمی در سرمایه اجتماعی دارد و منحنی ارتباط آن با سرمایه اجتماعی به صورت U وارونه بوده که در ابتدا با افزایش سن تا اندازه معینی، سرمایه اجتماعی تحت تأثیر سن قرار دارد و از آن به بعد این تأثیر کاهش می‌یابد. نتایج مطالعه آف و فاجس (۲۰۰۲) نیز بیان‌گر رابطه بین سن و سرمایه اجتماعی

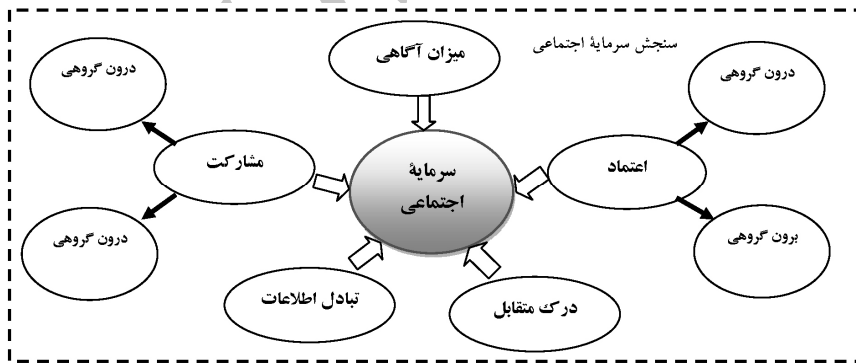
است. اگرچه در این تحقیق علاوه بر سن، متغیرهای درآمد، مشارکت بازار کار زنان، دین و دین باوری، وضعیت شغلی، آموزش، سن، اندازه خانوار و جنسیت با سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم دارند. در تحقیق کریشنا و آپهف (۲۰۰۲)، در منطقه راجستان، سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و به بررسی عوامل و متغیرهای گوناگون در شکل‌گیری و تأثیر بر این متغیر پرداخته شد، نتایج این تحقیق نشان داد که سن، جنس، طول دوره اقامت در روستا، آموزش و اندازه خانواده با سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌داری نداشت. دفتر آمار کشور استرالیا (۲۰۰۲) در مطالعه خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی» شاخص‌های اعتماد و قابلیت اعتماد، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، همیاری، همکاری، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا)، احساس امنیت، حمایت اجتماعی (احساسی و عاطفی)، احساس اثر گذاری و کارایی و ارزش زندگی را به منظور اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار داد. هارپر و کلی (۲۰۰۳) مانند بیش‌تر مطالعات از شاخص‌های: مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی، تعامل و اعتماد بین مردم و نهادها و چشم اندازه‌های مناطق محلی و گروترت و همکاران (۲۰۰۵) نیز از شاخص‌های: اعتماد و قابلیت اعتماد، مشارکت مدنی، همکاری، انسجام اجتماعی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی در جوامع مورد مطالعه خود استفاده نمودند. از آن جا که در اکثر مطالعات انجام شده در زمینه سرمایه اجتماعی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی از شاخص‌های: اعتماد، مشارکت مدنی، همیاری، همکاری و امنیت استفاده شده است می‌توان به اهمیت این شاخص‌ها و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در سنجش سرمایه اجتماعی پی برد و شاید به همین خاطر است که برخی از محققان بر این باورند که مشارکت عمومی موجب می‌گردد تا نسبت‌های مختلفی از تصمیم‌گیری افراد شناسایی، و با در کنار هم قرار گرفتن این تصمیمات، زمینه برای یک تصمیم قوی‌تر در قبال سیاست‌های عمومی و مدیریت منابع طبیعی فراهم شود (Herath and Prato, 2006). از سوی دیگر از کیا و فیروزآبادی (۱۳۸۷) در مطالعه خود برای بررسی سرمایه اجتماعی در نظام‌های مختلف بهره‌برداری، شاخص‌های فردی و جمعیتی (سن، سواد، بعد خانوار و

وضعیت اقتصادی- اجتماعی)، شاخص‌های مربوط به تولید (تمایل به همکاری در مسائل آب و آبیاری، تمایل به یکپارچه سازی اراضی و سطح مهارت)، شاخص‌های روان‌شناسی- اجتماعی (تمایل به کار گروهی، سنت‌گرایی و مشارکت)، شاخص آموزش و ترویج (سطح نیاز به آموزش مهارت‌های تشکیل کار گروهی)، شاخص اقتصادی (بهره‌وری) را مورد استفاده قرار دادند. نتیجه این بررسی نشان داد که مشارکت، هم‌یاری و تمایل به کار گروهی، نوگرایی و بهره‌وری در بهره‌برداران تعاونی، به شکل معناداری بالاتر از بهره‌برداران در واحدهای فردی دهقانی است. قاسمی و همکاران (۱۳۸۵) نیز در تحقیقی که با هدف سنجش سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان و رتبه‌بندی آن‌ها انجام دادند، سرمایه اجتماعی را با استفاده از مؤلفه‌های، اعتماد و قابلیت اعتماد، همیاری، همکاری، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا)، احساس اثرگذاری و کارایی، ارزش‌زندگی، وساطت اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی مورد سنجش قرار دادند. ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن» به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی پرداختند. از نظر این محققین سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت فعالیت، پایگاه اقتصادی و درآمد، زادگاه، مهاجرت، بعد خانوار، قومیت، امکانات توسعه‌ای، مدت اقامت در شهر بهترین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی هستند. هم‌چنین ماجدی و لهسایی‌زاده (۱۳۸۵) برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از دو دسته عوامل ساختاری شامل، عضویت گروهی، حمایت متقابل، تفاوت و خدمات و عوامل شناختی شامل اعتماد، انسجام و تضاد و عوامل زمینه مانند متغیرهای جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، و شخصیتی استفاده کردند. آن‌ها در پایان بیان کردند که سرمایه اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، شغل، پیش‌بینی کننده‌ای بهتر برای رضایت از کیفیت زندگی به شمار می‌روند. سعادت (۱۳۸۵) در تحقیق خود با استفاده از روش داگوم به تخمین سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران پرداخت. وی در این تحقیق متغیرهای اعتماد، سطح آگاهی عمومی، صداقت، مشارکت جمعی، مشارکت در انتخابات، میزان ارتکاب به جرم را به

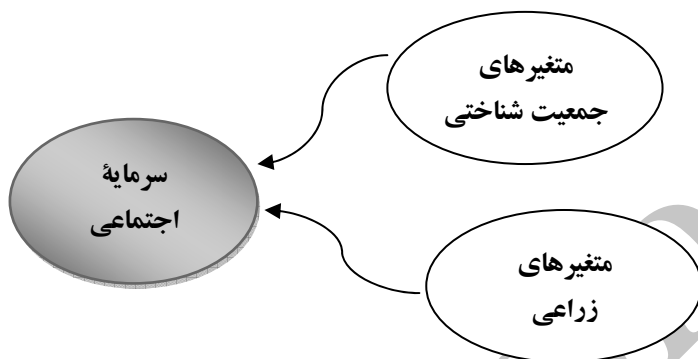
عنوان متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار داد. هم‌چنین طبق یافته‌های تحقیق احمدی‌فیروزجائی و همکاران، چهار عامل مبادله اطلاعات با خارج از نظام اجتماعی، اعتماد به نهادها، شبکه روابط رسمی و میزان آگاهی به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین فاکتورهای متمایز کننده دو گروه (عضو و غیرعضو تعاونی تولید) شناسایی شدند؛ به‌طوری‌که اعضای تعاونی تولید نسبت به افراد غیرعضو از نظر دارا بودن این مؤلفه‌ها در سطح بالاتری قرار داشتند (احمدی‌فیروزجائی و همکاران، ۱۳۸۵).

چارچوب نظری

با توجه به نتایج مطالعات در بحث مرور منابع، سنجش سرمایه اجتماعی از فاکتورهای میزان اعتماد (درون گروهی و برون گروهی)، مشارکت اجتماعی (درون گروهی و برون گروهی)، میزان آگاهی، میزان تبادل اطلاعات و درک متقابل دیگران و رضایت از زندگی به دست می‌آید (شکل ۱) و بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولید روستایی نیز نشان داد که متغیرهای جمعیت شناختی مانند سن، درآمد، سطح تحصیلات، سابقه عضویت در تعاونی و... و متغیرهای زراعی مانند میزان اراضی زراعی بر میزان سرمایه اجتماعی در این تعاونی‌ها مؤثر هستند (شکل ۲).



شکل ۱. مؤلفه‌های مؤثر در سنجش میزان سرمایه اجتماعی



شکل ۲. عوامل مؤثر بر وضعیت سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولید روستایی

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع مطالعات پیمایش بوده که به صورت میدانی انجام گرفته و محدوده مورد مطالعه آن شهرستان کوه‌دشت در استان لرستان بود و جامعه آماری شامل ۱۸ تعاونی بوده که جمعاً دارای ۲۸۲۰ عضو بودند. در مرحله اول از بین ۱۸ تعاونی موجود ۱۲ تعاونی به‌طور تصادفی انتخاب و در مرحله دوم، متناسب با تعداد اعضای هر تعاونی تعدادی از اعضا به صورت تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۹۳ نفر تعیین گردید اما برای اطمینان بیش‌تر تعداد ۱۰۳ پرسش‌نامه توزیع گردید، که ۱۰۰ پرسش‌نامه توسط پاسخ‌گویان تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و اولویت‌بندی) و استنباطی (تحلیل خوشه‌ای و تحلیل تشخیصی)، به کمک نرم افزار SPSS انجام شد.

در این تحقیق برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی از متغیرهای (۱) اعتماد (درون گروهی و برون گروهی)، (۲) مشارکت اجتماعی (درون گروهی و برون گروهی)، (۳) میزان تبادل اطلاعات، (۴) میزان آگاهی و (۵) درک متقابل دیگران و رضایت از زندگی استفاده شد و هر کدام از این متغیرها، به ترتیب با ۱۰، ۱۴، ۷،

۵ و ۷ گویه مورد سنجش قرار گرفتند (جدول ۱). جهت طبقه‌بندی اعضاء به دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی پائین نیز از تکنیک تحلیل خوشه‌ای استفاده شد. این تکنیک اعضاء را بر اساس بیش‌ترین همبستگی درون گروهی و کم‌ترین همبستگی بین گروهی طبقه‌بندی می‌کند. مقایسه دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پائین نیز با استفاده از آزمون t انجام گرفت.

پایایی ابزار

به منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه، یک پیمایش مقدماتی اجرا شد که طی آن ۳۰ پاسخ‌گو (اعضاء تعاونی‌های تولید روستایی غیر نمونه در یکی از شهرستان‌های استان لرستان) را شامل می‌شد. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پیش‌آزمون، میزان آلفای کرونباخ که جهت سنجش انسجام درونی گویه‌ها استفاده می‌شود، محاسبه شد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالای ۰/۷۰ به دست آمد که حاکی از پایایی قابل قبولی بود. برای نمونه بزرگ‌تر پیمایش اصلی (نمونه ۱۰۰ نفره از جامعه آماری اصلی) نیز پایایی بالا و قابل قبول به دست آمد. ضمن این که مشخص شد حذف هیچ یک از گویه‌ها، مقدار این ضریب را افزایش نخواهد داد.

روایی پرسش‌نامه

جهت سنجش روایی پرسش‌نامه نیز از پانل متخصصین استفاده شد. بدین صورت که در چندین نوبت و با مصاحبه‌ها حضوری از متخصصین و اساتید مربوطه میزان روایی پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت و اصلاحات لازم نیز در پرسش‌نامه اعمال گردید. متغیرهای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در جدول (۱)، ارائه شده‌اند.

جدول (۱)، متغیرهای مورد استفاده برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی و گویه‌های مربوط به آن‌ها

گویه	متغیر		
میزان اطمینان به دیگر اعضای تعاونی	اعتماد درون گروهی	اعتماد	
احساس دوستی و صمیمیت با دیگر اعضای تعاونی			
مشورت با دیگر اعضای تعاونی			
قبول قرض دادن پول و وسائل کار به دیگر اعضای تعاونی			
ضمانت مالی (برای وام و ...) دیگر اعضای تعاونی			
قدرت ریسک‌پذیری و اطمینان از فعالیت‌های تعاونی			
اعتماد به نهادهای رسمی نظیر جهاد کشاورزی، بانک‌ها و، اداره تعاون	اعتماد برون گروهی		
اعتماد به مسئولان نظیر رؤسای ادارات جهاد کشاورزی، بانک‌ها و، اداره تعاون			
اعتماد به گروه‌های اجتماعی غیردولتی نظیر انجمن‌های خیریه صندوق قرض‌الحسنه و...			
اعتماد به دیگر تعاونی‌های موجود در شهرستان	مشارکت درون گروهی		مشارکت اجتماعی
همکاری داوطلبانه با دیگر اعضای تعاونی در مورد کارهای تعاونی			
حضور در فعالیت‌های اجرایی تعاونی			
دیدار با دیگر اعضای تعاونی و شرکت در مراسمات آنان			
کمک مالی به دیگر اعضای تعاونی			
حضور در جلسات برگزار شده توسط تعاونی			
همکاری داوطلبانه با دیگر اعضای تعاونی در کارهای غیر مرتبط با فعالیت‌های تعاونی	مشارکت برون گروهی		
مشارکت در فعالیت ادارات دولتی نظیر اداره تعاون، جهاد کشاورزی، بانک‌ها و...			
حضور در انتخابات			
حضور در فعالیت گروه‌های اجتماعی غیر دولتی نظیر انجمن‌های خیریه صندوق قرض‌الحسنه و...			

متغیر	گویه
	مشارکت در فعالیتهای دیگر تعاونیهای شهرستان
	حضور در مراسمات رسمی نظیر راهپیمایی، نماز جماعت جشن و...
	عضویت در نهادهای مدنی
	قبول مسئولیت در نهادهای مدنی
	کمک مالی به نهادهای مدنی
میزان تبادل اطلاعات	تبادل اطلاعات با اعضای تعاونی از طریق مذاکرات دوستانه به واسطه حضور در تعاونی
	تبادل اطلاعات با اعضای تعاونی از طریق شرکت در جلسات تعاونی
	تبادل اطلاعات با دیگر تعاونیهای موجود در شهرستان
	شرکت و حضور در نشستهای علمی، همایشها و کنفرانسهای علمی
	تبادل اطلاعات با ادارات دولتی (اداره تعاون، جهاد کشاورزی و ...)
	تمایل برای کسب اطلاعات از فعالیتهای تعاونی از طریق بروشور، روزنامه و....
	حضور در کلاسهای آموزشی اداره تعاون یا نهادهای دیگر
میزان آگاهی	میزان دانش و اطلاعات از فرآیند تولید، مشکلات تولید و ...
	میزان دانش و اطلاعات از اثرات مثبت فعالیتهای تعاونی
	میزان دانش و اطلاعات در مسائل اقتصادی نظیر وضعیت بازار، قیمتها، تورم و...
	میزان دانش و اطلاعات در مسائل سیاسی نظیر احزاب، گروهها و...
	میزان دانش و اطلاعات در مسائل فرهنگی نظیر دین، آداب سنن، و....
درک متقابل دیگران و رضایت از زندگی	احساس همیاری (احساس درونی جهت کمک به دیگران)
	احساس همدلی (توانایی قرار دادن خود در موقعیت دیگران)
	ارزش زندگی (رضایت از زندگی و با ارزش دانستن خود در جامعه)
	وساطت اجتماعی (حضور به عنوان فردی میانجیگر در حل اختلافات مردم)

متغیر	گویه
	احساس اثرگذاری و کارآیی (قدرت تغییر شرایط موجود)
	احساس امنیت (آسودگی و آرامش خاطر)
	ظرفیت پذیری تفاوت‌ها (احترام به هنجارها و عقاید دیگران)

نتایج

نیم‌رخ جمعیت شناختی

نتایج آمار توصیفی ویژگی‌های فردی اعضاء مورد مطالعه نشان داد که ۸۱ درصد را مردان و مابقی (۱۹ درصد) را زنان تشکیل داده و اکثریت اعضاء متأهل (۹۰ درصد) بودند. سطح سواد بیش‌تر آن‌ها (۲۲ درصد) در حد خواندن و نوشتن بوده و میانگین سنی ۴۲ سال داشتند. کشاورزی شغل اصلی اکثریت (۵۳ درصد) اعضاء بوده، و میانگین سابقه کشاورزی آن‌ها ۱۶ سال و میانگین درآمد ماهانه اعضاء ۲۰۵ هزار تومان بود.

نتایج حاکی از آن بود که میانگین کل اراضی و سطح زیر کشت اعضاء به ترتیب برابر ۵/۳۵ و ۴/۷۹ هکتار بوده و به‌طور متوسط هر کدام از آن‌ها دارای ۳ سال سابقه عضویت در تعاونی بودند. هم‌چنین میانگین تعداد سهام هر عضو ۱/۴ سهم بود و هر کدام از اعضاء به‌طور متوسط ۱ بار در دوره‌های آموزشی برگزار شده توسط تعاونی، شرکت کرده بودند.

جدول (۱)، میانگین متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی اعضاء

متغیر	سن (سال)	درآمد (هزار تومان)	سابقه کار کشاورزی (سال)	کل اراضی تحت مالکیت (هکتار)	سطح زیر کشت (هکتار)	سابقه عضویت (سال)	تعداد سهام	تعداد مشارکت دوره
میانگین	۴۲	۲۰۵	۱۶	۵/۳۵	۴/۷۹	۳	۱/۴	۱

به منظور طبقه‌بندی اعضاء در چندین گروه، به طوری که افراد در درون هر گروه از لحاظ سرمایه اجتماعی شباهت زیادی به هم دیگر داشته، اما هر گروه تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دیگر گروه‌ها داشته باشند، از تکنیک تحلیل خوشه‌ای استفاده شد. بر اساس نتایج این روش، اعضاء تعاونی‌ها به دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی پایین تقسیم شدند.

تحلیل‌های دو متغیره

جهت مقایسه دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین از آزمون t استفاده شد. همان طور که نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد، از نظر ویژگی‌هایی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، سطح درآمد، میزان کل اراضی تحت مالکیت، سابقه عضویت در تعاونی، میزان شناخت از اصول تعاونی، مشارکت در فعالیت‌های تولیدی، شرکت در جلسات تصمیم‌گیری و شرکت در دوره‌های آموزشی برگزار شده توسط تعاونی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین این دو گروه وجود دارد. اعضاء تعاونی با سرمایه اجتماعی بالا معمولاً متأهل، با سواد و پر درآمدتر بوده و میزان کل اراضی تحت مالکیت آن‌ها بیش‌تر از گروه با سرمایه اجتماعی پایین است. هم چنین این گروه با سابقه عضویت بیش‌تر نسبت به گروه دیگر در تعاونی، شناخت بیش‌تر از اصول تعاون دارند. از طرفی میزان مشارکت اعضاء با سرمایه اجتماعی بالا در امور تعاونی (فعالیت‌های تولیدی، جلسات تصمیم‌گیری و دوره‌های آموزش) بیش‌تر از اعضاء با سرمایه اجتماعی پایین است. در مجموع می‌توان گفت که این دو گروه از نظر متغیرهای مذکور به طور معنی‌داری با هم تفاوت دارند (جدول ۲).

جدول (۲) مقایسه ویژگی‌های کلی اعضاء تعاونی با سرمایه اجتماعی بالا و پایین

P	T	اعضاء با سرمایه اجتماعی پایین		اعضاء با سرمایه اجتماعی بالا		
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۴۲۱	۰/۸۰۹	۶/۴۴	۴۱/۹۲	۶/۱۶	۴۳/۲۲	سن
۰/۰۵۱	-۲/۰۰	۷۷/۶۰	۲۲۷/۸۸	۵۳/۹۴	۱۹۴/۴۴	درآمد

P	T	اعضاء با سرمایه اجتماعی پایین		اعضاء با سرمایه اجتماعی بالا		
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	-۳/۵۸	۱/۹۷	۴/۰۲	۱/۲۹	۲/۴۴	سطح تحصیلات
۰/۴۳۸	-۰/۷۸	۰/۳۹	۱/۱۹	۰/۳۲	۱/۱۱	جنسیت
۰/۰۰۲	۳/۲۷	۰/۳۸	۱/۸۳	۰/۰۰	۲/۰۰	وضعیت تأهل
۰/۰۵۱	-۱/۶۷	۳/۶۴	۶/۱۲	۲/۰۷	۴/۹۴	میزان کل اراضی تحت مالکیت
۰/۰۰۰	-۱۱/۲۳	۱/۱۸	۳/۹۰	۰/۴۹	۱/۶۷	سابقه عضویت در تعاونی
۰/۰۰۶	-۲/۱۸	۱/۵۳	۳/۲۹	۱/۲۰	۱/۱۷	میزان شناخت از اصول تعاونی
۰/۰۰۰	-۶/۹۵	۴/۸۴	۱۵/۴۲	۳/۶۸	۶/۷۲	مشارکت در امور تعاونی (فعالیت‌های تولیدی، جلسات تصمیم‌گیری و دوره‌های آموزشی)

توجه: دامنه امتیاز شاخص‌های مربوط به میزان شناخت از اصول تعاونی * تا ۵ و مشارکت در امور تعاونی * تا ۲۵ می‌باشد.

تحلیل‌های چندمتغیره

به منظور تعیین ترکیب متغیرهای مستقلی که به بهترین وجه گروه‌های با سرمایه اجتماعی بالا و پایین را از هم متمایز کنند، از تحلیل تشخیصی گام به گام (Discriminate Analysis) استفاده گردید.

میزان همبستگی کانونی (Canonical Correlation) برای متغیرهای وارد شده در تحلیل ۰/۸۱۷ به دست آمد که مجذور این عدد، یعنی ۰/۶۶۷ نشان‌گر تبیین ۶۶/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط ۵ متغیر ارائه شده در جدول (۲) می‌باشد. معیار دیگر در ارزیابی توابع تشخیصی، مقدار کاسکویر می‌باشد که در این تحقیق، این مقدار برابر ۷۲/۲۲۷ به دست آمد که با درجه آزادی ۵ با احتمال ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. این آماره نیز بر معنی‌دار بودن و قدرت بالای تفکیک‌کننده تابع تشخیصی دلالت دارد.

جدول (۲) مقادیر ضرایب معادله تشخیصی یا متمایز کننده دو گروه از اعضاء تعاونی با سرمایه اجتماعی بالا و پایین را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، از بین مجموعه متغیرهای مورد بررسی پنج متغیر وضعیت تأهل، میزان کل اراضی تحت مالکیت، سابقه عضویت در تعاونی، میزان شناخت از اصول تعاونی و مشارکت در امور تعاونی دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین را به بهترین وجه از هم متمایز نمودند.

جدول (۲)، مقادیر ضرایب استاندارد شده تابع تشخیصی

ضرایب	متغیرها
۱/۵۸۵	(X _۱) وضعیت تأهل
۱/۱۷۰	(X _۴) میزان کل اراضی تحت مالکیت
-۱/۲۵۶	(X _۵) سابقه عضویت در تعاونی
۰/۴۶۴	(X _۶) میزان شناخت از اصول تعاونی
-۰/۰۹۶	(X _۷) میزان مشارکت در امور تعاونی
۰/۵۶۴	مقدار ثابت

بر اساس مقادیر ضرایب استاندارد شده، تابع تشخیصی دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین به شرح زیر می‌باشد:

$$D = 0/564 + 1/584X_1 + 0/170X_4 - 1/256X_5 + 0/464X_6 - 0/96X_7$$

$$Sig = 0/00332 Wilks\ lambda = 0/332$$

مقدار Wilks Lambda = ۰/۳۳۲ گویای این است که اختلاف معنی‌داری (در سطح یک درصد) بین میانگین نمره ممیزی دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین وجود دارد. به عبارت دیگر، تابع به دست آمده می‌تواند دو گروه را به طور معنی‌داری به بهترین وجه متمایز کند.

نتایج جدول (۳) نیز نشان می‌دهد که سابقه عضویت در تعاونی (X_۵) دارای قوی‌ترین همبستگی (r = ۰/۶۹) با تابع تشخیصی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سابقه عضویت

در تعاونی مهم‌ترین سازه متمایز کننده بین دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین می‌باشد. متغیرهای میزان مشارکت در امور تعاونی ($r = 0/59$) و میزان شناخت از اصول تعاونی ($r = 0/24$) از نظر همبستگی با تابع تشخیصی در مرحله بعدی قرار دارند.

جدول (۳)، همبستگی متغیرهای وارد شده تحلیل با تابع تشخیصی

متغیرها	همبستگی متغیرها با تابع تشخیصی
سابقه عضویت در تعاونی	0/69
میزان مشارکت در امور تعاونی درآمد	0/59
میزان شناخت از اصول تعاونی	0/24
وضعیت تأهل	0/16
سن	0/15
میزان کل اراضی تحت مالکیت	0/11

بحث

این پژوهش در راستای دستیابی به هدف تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی اعضای تعاونی تولید روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن در شهرستان کوهسنان کوهسخت انجام گرفته است. جهت دستیابی به این هدف، در ابتدا از تکنیک تحلیل خوشه‌ای جهت گروه‌بندی اعضای تعاونی از لحاظ سرمایه اجتماعی در دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین استفاده گردید. مطابق با منطق، تکنیک خوشه‌ای مبنی بر این که دو گروه باید از لحاظ ویژگی‌های مورد نظر با یکدیگر تفاوت بسیاری داشته، اما هر گروه دارای همگنی بسیار زیاد از لحاظ ویژگی‌های مورد نظر است، لذا جهت شناسایی و تبیین تفاوت موجود بین دو گروه از اعضای تعاونی با سرمایه اجتماعی بالا و پایین سعی شد از روش آماری آزمون T و تکنیک تحلیل تشخیصی استفاده شود.

واکاوای داده‌های حاصل از این دو روش، نتایج زیر را به دنبال داشت. در پاسخ به این پرسش که چه تفاوت‌هایی بین دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین وجود دارد؟

یافته‌های حاصل از آزمون T نشان داد که اعضای با سرمایه اجتماعی بالاتر معمولاً متأهل، با سوادتر و پر درآمدتر هستند. معمولاً افراد متأهل نسبت به افراد مجرد با توجه به این که میزان روابط اجتماعی، مسئولیت پذیری اجتماعی و همدلی اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود، میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها نیز بالا می‌رود و یک رابطه مستقیم بین متأهل شدن و سرمایه اجتماعی بالا وجود دارد که این یافته با نتایج مطالعه ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۵) مطابقت دارد. ایشان در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که افراد متأهل از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. طبق نتایج این پژوهش، سطح سواد نیز با سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم دارد و افراد با سواد معمولاً سرمایه اجتماعی بالاتری دارند که البته با توجه به این که افراد با سوادتر با منابع اطلاعاتی بیشتری سر و کار دارند و میزان تبادل اطلاعاتی آن‌ها بیشتر از افراد بی‌سواد است، لذا این نتیجه دور از انتظار نیست. مطالعات آف و فاجس (۲۰۰۲)، ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۵) نیز حاکی از این بود که افراد با سواد از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بودند که با نتایج این پژوهش مطابقت داشت، اما مطالعه اریک و فیروزآبادی (۱۳۸۶) نشان داد که بین سطح سواد و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. متغیر درآمد که در این پژوهش رابطه مستقیم و معناداری با سرمایه اجتماعی دارد، با توجه به مطالعات آف و فاجس (۲۰۰۲)، ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۵) نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. زیرا در این دو مطالعه نیز رابطه مثبت بین سطح درآمد و سرمایه اجتماعی بالاتر مورد تأیید قرار گرفته است. شاید این نتیجه به این علت باشد که افراد پر درآمد، تبادلات مالی بیشتری با مردم داشته و به این علت میزان همکاری و تبادل اطلاعات و اعتماد آن‌ها در جامعه بیشتر است، که این موارد در رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی است. اما نتایج این مطالعه نشان داد که دو متغیر سن و جنسیت رابطه معناداری با متغیر سرمایه اجتماعی نداشته و این دو گروه از لحاظ این دو متغیر با هم تفاوتی نداشتند. این نتیجه با نتایج مطالعات آف و فاجس (۲۰۰۲)، اریک و فیروزآبادی (۱۳۸۶) مطابقت دارد. ایشان نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که بین این دو

متغیر و متغیر سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد، اما مطالعات آف و فاجس (۲۰۰۲)، گلاسر و همکاران (۲۰۰۲)، ناطق پور و فیروزآبادی (۱۳۸۵) نشان دادند که بین دو متغیر سن و جنس و متغیر سرمایه اجتماعی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و افراد با سنین بالا و جنس مرد از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. هم چنین نتایج نشان داد که اعضاء با سرمایه اجتماعی بالا نسبت به اعضاء با سرمایه اجتماعی پایین، میزان کل اراضی تحت مالکیت بیش تری داشتند، سابقه عضویت طولانی تر در تعاونی داشته، میزان شناخت بیش تری از اصول تعاونی داشته و میزان مشارکت آن‌ها در امور تعاونی نیز بیش تر است. سابقه عضویت طولانی در تعاونی، میزان شناخت یک عضو تعاونی نسبت به سایر اعضاء را بیش تر نموده و میزان همکاری، هم دلی و اعتماد و تبادل اطلاعات عضو در تعاونی را بیش تر می نماید که این مؤلفه‌ها از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی می باشد. میزان شناخت و آگاهی نسبت به اصول تعاونی نیز از عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه اجتماعی است که در این پژوهش مورد شناسایی قرار گرفت و گویای این است که هرچه افراد آشنایی بیش تری با اصول تعاونی داشته باشند، میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها نیز بیش تر خواهد بود که با نتایج سعادت (۱۳۸۵) و احمدی فیروزجائی و همکاران (۱۳۸۵) نیز مطابقت دارد. میزان مشارکت در امور تعاونی نیز رابطه مستقیم و معناداری با سرمایه اجتماعی دارد و افرادی که مشارکت بیش تری در امور تعاونی مانند فعالیت‌های تولیدی، مشارکت در دوره‌های آموزشی و مشارکت در تصمیم گیری‌ها دارند، از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند که این یافته با نتایج مطالعات (Krishna & Bullen & Onyx 1998, Shrador (2000), Offe & Fuchs (2002) و سعادت (۱۳۸۵) نیز مطابقت دارد و در همه این مطالعات نیز مشارکت به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی شناخته شده است. نتایج تحلیل تشخیصی نیز نشان داد که ترکیب متغیرهای مستقلی مانند وضعیت تأهل، میزان کل اراضی تحت مالکیت، سابقه عضویت در تعاونی، میزان شناخت از اصول تعاونی و میزان مشارکت در امور تعاونی به بهترین وجه می تواند گروه‌های با سرمایه

اجتماعی بالا و پایین را از هم متمایز کند. این متغیرها در مجموع ۶۶/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته، یعنی سرمایه اجتماعی را تبیین نموده که با میزان $Wilks\ Lambda = 0/332$ تابع تشخیصی این متغیرها در سطح ۹۹٪ معنادار است و می‌تواند این دو گروه را به بهترین وجه از هم متمایز نماید. از بین این ترکیب متغیرهای مستقل نیز، متغیر سابقه عضویت در تعاونی، مهم‌ترین سازه تمایز که بین دو گروه با سرمایه اجتماعی بالا و پایین شناخته شد که بیان‌گر آن است که جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعضا باید به این فاکتور مهم بیش‌تر توجه شود. سایر متغیرها به ترتیب اهمیت شامل: میزان مشارکت در امور تعاونی، میزان شناخت از اصول تعاونی و وضعیت تأهل می‌باشند که پیشنهاد می‌شود به هر یک از این متغیرها به ترتیب اهمیت باید توجه لازم شود و جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعضا پیشنهاد می‌شود که میزان مشارکت اعضا با روش‌های تشویق و پاداش بیش‌تر شده و سعی شود با برگزاری دوره‌های آموزشی یا توزیع پوسترهای ترویجی، میزان شناخت اعضا نسبت به اصول تعاونی را افزایش داد.

محدودیت‌های تحقیق

این مطالعه از بعد روش شناختی و پایایی ابزار نیاز به بازآزمایی از حیث ثبات زمانی دارد که در این مطالعه امکان تکرار مجدد این مطالعه وجود نداشت که به عنوان یکی از محدودیت‌ها جدی این مطالعه به شمار می‌رود لذا در مطالعات آتی که در این زمینه و بر اساس روش‌شناسی مطالعه مذکور انجام خواهد شد لازم است تا این محدودیت بر طرف شده و این بازآزمایی انجام شود. روایی محتوایی انجام شده در این مطالعه نیز ممکن است قابل اتکا کامل نبوده که از محدودیت‌های دیگر مطالعه است لذا باید در مطالعات بعدی از سایر روش‌های تعیین روایی که قابل اطمینان‌تر است استفاده شود زیرا در مطالعات اجتماعی با توجه به پویایی محیط، نتایج می‌تواند تحت تأثیر شیوه‌های اجرا قرار گیرد.

از سوی دیگر یکی از مشکلات ذاتی مطالعات همبستگی، مشکل جهت‌مندی است که در تعیین جهت روابط علی مشکل‌ساز است که به طور کلی از محدودیت‌های مطالعات همبستگی به شمار می‌رود و در این مطالعه نیز می‌توان به آن اشاره کرد. مثلاً افرادی که اراضی بیش‌تری دارند، سابقه بیش‌تری دارند، آشنایی بیش‌تری با اصول تعاونی دارند، دارای سرمایه اجتماعی بالایی هستند یا این که افراد با سرمایه اجتماعی بالا می‌توانند تبادل اطلاعات بیش‌تری داشته‌لذا آشنایی خود را با اصل تعاونی افزایش دهند. پیشنهاد می‌شود جهت رفع این محدودیت از روش‌های کیفی در مطالعات سرمایه اجتماعی استفاده کرد چون در روش‌های کیفی با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه یا گراندد تئوری می‌توان جهت روابط را بهتر شناخت.

- احمدی فیروزجائی، ع، حسن صدیقی و محمدعلی محمدی. ۱۳۸۵. مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تولید روستایی. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳. صص ۹۳ - ۱۱۱.
- ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد. ۱۳۸۷. بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری دهقانی به تعاونی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۷. صص ۷۷-۹۸.
- سعادت، رحمان. ۱۳۸۵. تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ششم، شماره ۲۳. صص ۱۷۳-۱۹۵.
- قاسمی، وحید و اسماعیلی، رضا و کامران ربیعی. ۱۳۸۶. سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال ششم، شماره ۲۳. صص ۲۲۵-۲۴۶.
- ناطق‌پور، محمد جواد و فیروزآبادی، سید احمد. ۱۳۸۵. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۵. صص ۱۶۰-۱۹۰.
- ماجدی سیدمسعود و لهسایی‌زاده عبدالعلی. بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس. روستا و توسعه زمستان ۱۳۸۵؛ ۹(۴): ۹۱-۱۳۵.
- Australian Bureau of Statistics. (2002), **Social Capital and Social Wellbeing**, August.
- Beugelsdijk, S. & Schaik, T. (2005), **Differences in Social Capital Between 54 Western European Regions**. *Regional Studies*, 39.
- Brehm, John & Rahn Wandy (1997) Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital, **American Journal of Political Science**, volume 41, Issue.
- Bourdieu, P. (1986), *The Forms of Capital*, Richardson, J. G. (Ed.), **Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education**. Greenwood Press, New York.
- Bullen, Paul & Jenny Onyx. (1998), Measuring Social in five Communities in NSW, Neighbourhood and community Centers. in: **Journal of Applied Behavior**, vol. 36, No 1, March 2000.
- Fukuyama, Francis. (2000), **Social Capital and Civil Society**, IMF Working Paper Wp/00/74, April

- Glaeser, E. , D. Laibson, and B. Sacerdote (2000) **The Economic Approach to Social Capital**, NBER Working Paper No. 7728(Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research).
- Grootaert, Christiaan and Thierry van Bastelaer, 2002. **Understanding and Measuring Social Capital: A Synthesis of Findings and Recommendations from the Social Capital Initiative**, IRIS Discussion Paper No. 02/01. Available online: <http://www.iris.umd.edu/download.aspx>
- Grootaert, C. ; Narayan, D. ; Jones, V. N. & Woolcick, M. (2005), **Measuring Social Capital An integrated Questionnaire**, World Bank Working Paper, No. 18.
- Halpern, D. (2005), **Social Capital. UK, Polity Press.**
- Harper, Rosalyn. (2001), **Social Capital: A Review of The Literature**, Office for National Statistics, UK.
- Harper, Rosalyn and Maryanne Kelly, 2003. **Measuring Social Capital in the United Kingdom**, Office for National Statistics, December 2003, Available online: <http://www.statistics.gov.uk/socialcapital>.
- Herath, G. , Prato, T. , 2006. Role of multi-criteria decision making in natural resource management. In: Herath, G. , Prato, T. (Eds.), **Using Multi-Criteria Decision Analysis in Natural Resource Management**. Ashgate Publishing, Hampshire, pp. 1–10.
- Krishna, Anirudh & Elizabeth Shrader. (2000), Cross – Cultural Measure of Social Capital: a Tool and Result from India and Panama, Washington DC, **World Bank Social Capital Initiative Paper**, No. 21. October.
- Krishna, A and Uphoff, N (2002) Mapping and measuring social capital through assessment of collective action to conserve and develop watersheds in Rajasthan, India. Published in Grootaert, C and Bastelaer, T. (2002) , **The Role of Social Capital in Development**, Cambridge Univ. Press.
- Looman, Wendy Sue and Shewikar Farrag, 2009, Psychometric properties and cross-cultural equivalence of the Arabic Social Capital Scale: instrument development study, **International Journal of Nursing Studies** 46 (2009) 44–53, Available online at www.sciencedirect.com.
- Nogueira, Helena, 2009, Healthy communities: **The challenge of social capital in the Lisbon Metropolitan Area**, **Health & Place** 15 (2009) 133– 139, Available online: www.elsevier.com/locate/healthplace.
- Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002) , **A decline of Social Capital? The German Case**, Published in Putnam, Robert D., (2002). **Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society**. New York: Oxford University Press.
- Portes, Alejandro. 1998. **Social Capital: Its Origins and Applications in**

- Modern Sociology. **Annual Review of Sociology**, Vol. 24. (1998), pp. 1-24. Stable URL: <http://links.jstor.org>
- Putnam, R. (2000), **Bowling Alone: the Collapse and Revival of American Community**, Simon and Schuster, New York
 - Schiff, M. (1992), **Social Capital, Labor Mobility**, and Welfare, *Ration. Soc.* 4. Social Capital Benchmark Survey. (2000), Final and Versions. at <http://www.ffc.org/resurces/survey.Pdf>.
 - Scull, S. (2001) Social Capital. A briefing paper for Module Development. **West Morton Public Health Unit Queensland Health**.
 - Woolcoch, Michael & Narayan, Deepa (2000) Social Capital Implication for Development Theory, **Research and Policy; Work Bank Research Observer**, Vol. 15(2)0.
 - **World Bank Social Capital Website**.
 - <http://www.worldbank.org/poverty/scapital/index.htm>